

ادامه از صفحه اول

برای خوزستان چه باید کرد؟

واکنش یکپارچه مسئولان ارشد نظام به بحران اخیر، به‌ویژه تذکر مقام معظم رهبری و دستور اکید رئیس‌جمهوری و سفر ایشان به خوزستان هم نشان از عمق مسئله دارد. دراین‌میان اما سؤال مهم این است که برای خوزستان چه باید کرد؟ البته قبل از اینکه به این سؤال پاسخ دهیم، باید پرسیده شود مهم‌ترین مسئله خوزستان چیست؟
باور نگارنده که سال‌ها در این استان زیسته، دوران آرمان‌خواهی دانشجویی خود را در دانشگاه شهید چمران اهواز گذرانده و در دوران مسئولیت اجرایی هم همواره در مسیر پایتخت به استان در حال حرکت بوده، این است که یافتن پاسخ مورد اجماع و توافق نخبگان و سیاست‌گذاران منطقه‌ای و ملی، به سؤال دوم همان مهم‌ترین کاری است که باید برای خوزستان انجام شود. بگذارید دراین زمینه مثالی بزنم؛ این روزها همه اتفاق نظر دارند که موضوع زیرگردها یکی از چالش‌های اساسی در استان خوزستان است (البته درباره نحوه مواجهه با آن توافق وجود ندارد)، اما مگر این چالش امروز به وجود آمده یا به‌تازگی شناخته شده است؟
به متن زیر دقت کنید: «در زمانی که نماینده مردم خوزستان در مجلس شورای اسلامی ایران بودم، بخش محیط زیست سازمان ملل در گزارشی مستند وقوع فاجعه زیرگردها در استان خوزستان را هشدار داده بود. وظیفه خود دانستم این اطلاعات را انتقال دهم تا شاید به قول ا‌ما، رحل مردمی که دین خود را به اسلام ادا کرده‌اند بار دیگر مجبور به ترک دیار خود نشوند. من گزارش و مستندات او را به مسئولان وقت دادم، اما متأسفانه این موضوع جدی گرفته نشد».
این متن، بخشی‌هایی از نامه دکتر احمد میدری، نماینده مردم آبادان در مجلس ششم و معاون فعلی رفا‌ه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که در سال گذشته خطاب به نمایندگان مجلس منتشر کرد. میدری در این نامه ضمن انتشار «خلاصه‌ای از گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ م» تذکر می‌شود در دوره نمایندگی در مجلس ششم ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) مستندات را به مسئولان ذی‌ربط ارائه داده است، ولی موضوع جدی گرفته نشده است. اما چرا این موضوع جدی گرفت نشد؟
یک پاسخ این است که توافق و اجماع درباره مسئله استان و راهکار مواجهه با آن وجود نداشت. درباره همین بحران اخیر پیش‌آمده در استان خوزستان هم به‌وضوح می‌توان نبود توافق و اجماع در زمینه مسئله اصلی و نحوه مواجهه با آن را در استان خوزستان مشاهده کرد. آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که وضع خوزستان بحرانی و نیازمند توجه است و باید برای آن کاری کرد. اما برای نمونه درباره سدسازی، انتقال آب و موضوع تالاب‌ها، بین نخبگان خوزستانی، مسئولان منطقه‌ای و ملی توافق وجود دارد؟ اگر بنییرین مدیران و مسئولانی که در تمام این سال‌ها خود بخشی از ایجاد مسئله بوده‌اند یا حداقل نسبت به حل مسئله بی‌توجه بوده‌اند، نمی‌توانند و نباید متولی حل مسئله باشند. اگر بخواهیم از رفتارندن به دام تصمیم‌های عجولانه و سیاست‌های نامعلوم خودداری کنیم، آن‌گاه باید گفت اقدام اخیر رئیس‌جمهور در تعیین جمعی از نخبگان ملی کشور برای تدوین گزارش ملی پلاسکو به عنوان یک تجربه تاریخی سیاست‌گذاری می‌تواند الگویی برای مواجهه با مسائل استان خوزستان نیز باشد.
با این وصف، پیشنهاد مشخص این است که رئیس‌جمهور محترم مانند تجربه پلاسکو، به جمعی از نخبگان غیردولتی با ترکیبی از تخصص‌های مختلف که سابقه سکونت در استان را دارند و به مسائل مختلف آشنا هستند، مأموریت دهد «گزارشی سیاستی» پیرامون مسائل متعدد استان (به‌ویژه موانع ساختاری، امنیتی، اجرایی، نهادی و اجتماعی)، ریشه‌های پیروز و راهکارهای مواجهه با آنها (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت)، قصورها، تقصیرها و اهمال‌های اجرایی و سیاستی، تدوین و به ایشان ارائه کنند. این گزارش سیاستی می‌تواند مبنای تدوین یک «بسته سیاستی» مورد اجماع و توافق برای حرکت به سمت توسعه پایدار در استان خوزستان باشد. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری که رئیس هوشمند آن اولین مقام دولتی بود که نسبت به بحران اخیر خوزستان واکنش نشان داد، می‌تواند مسئولیت یکبرری این پیشنهاد را بر عهده داشته باشد.

سیاسی‌کاری با مطالبات فرهنگیان

باید از آنها بخواهند که در بخش بودجه و دیگر مطالبات، فرهنگیان را در اولویت قرار دهند. اکنون برخی از نمایندگان مجلس به رای مردم و فرهنگیان انتخاب شده‌اند که سیاسی‌کاری زمینه‌های عدم تحقق وعده‌های فرهنگیان را ایجاد می‌کنند. استیضاح دانش آشتیانی، وزیر فعلی آموزش‌وپرورش، از جمله این سیاسی‌کاری‌هاست. درباره وزیری که هنوز در چندماه اولیه کار خود است و به‌اصطلاح امضای حکم او هنوز خشک نشده نمی‌توان قضاوت کرد و معیاری برای محک‌زدن او وجود ندارد. این پرسش ایجاد می‌شود که چرا نمایندگان استیضاح را مطرح می‌کنند؟ اگر مشکلات و معضلاتی در وزارت آموزش‌وپرورش وجود دارد که نمی‌توان منکر آنها شد، باید با مذاکره و رایزنی آنها را حل کرد. همچنین اگر اشتباهاتی در امور متفاوت رخ داده باید در پی اصلاح آن برآمد. بسیاری از نمایندگان با عملکرد خود در چندوقت اخیر نشان داده‌اند که همکاری مناسبی با دولت دارند و همین نمایندگان باید در راستای افزایش همکاری و همیاری با وزارت آموزش‌وپرورش گام بردارند؛ نه‌آنکه با سیاسی‌کاری به به‌وجودآمدن و حل‌نشدن مشکلات دامن بزنند.

شرق؛ رئیس سازمان خصوصی‌سازی در اظهارنظر اخیر خود درباره انتقاد از خصوصی‌سازی‌ها به‌شدت به نمایندگانی که علیه واگذاری به بخش خصوصی واقعی می‌ایستند، تاخت و گفت: «بنده نمی‌دانم آیا باید از برخی نمایندگان مجلس شکایت کنم؟». سخن او اشاره به برخی واگذاری‌ها دارد که در سه‌سال‌ونیم گذشته انجام شده و حاشیه‌ها و فشارهای زیادی را روی این سازمان و وزیر اقتصاد به دنبال داشته است. میرعلی‌اشرف‌عبدالله‌پوری‌حسینی تلویحا گفته اگر این واگذاری‌ها به خصولتی‌ها انجام می‌شد، صدای کسی در نمی‌آمد اما مشکل آنجاست که این دولت اصرار دارد واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی انجام شود. این سخن او را اوایل اسما‌ل، وزیر اقتصاد هم مطرح کرده بود: «در دو سال گذشته نفس من را پریدند و هر زمانی می‌خواهیم شرکتی را واگذار کنیم، مانع آن می‌شوند». علی‌طبی‌نیا اما گفته بود: «به صورت تمام‌درد مقابل برخی واگذاری‌ها ایستادام و ترجیح می‌دهم وزیر نباشم تا اینکه برخی شرکت‌ها را به صورت رد دیون و تها‌ت‌ر واگذار کنم. همین چند وقت پیش هم جلسه سنگینی داشتیم که بنذیرفتم واگذاری مربوطه به سرانجام برسد، یعنی ترجیح می‌دهم وزیر نباشم تا این اقتضاح به نام من ثبت نشود». حرفی که معاونش هم روی آن تاکید می‌کند.

در شکایت از سوی عده‌ای به روی سازمان خصوصی‌سازی باز است

رئیس سازمان خصوصی‌سازی با ابراز تأسف از اینکه در شکایت از سوی عده‌ای به روی سازمان خصوصی‌سازی باز است، تصریح کرد: عزیزان با بی‌انصافی محض اعلام می‌کنند که [به فلان شرکت] چوب حراج زده شد؛ بنده نمی‌دانم آیا باید از برخی نمایندگان مجلس شکایت کنم؟ به گزارش ایلنا، میرعلی‌اشرف‌عبدالله پوری‌حسینی در مصاحبه با رادیو پیشینه خصوصی‌سازی را ناظر بر سال‌های بعد از دوران دفاع مقدس و شکل‌گیری برنامه‌های پنج‌ساله دانست و گفت: «سازمان خصوصی‌سازی ابتدا با دیوار بلندی به نام اصل ۴۴ مواجه بود و دست روی هر شرکت بزرگی که گذاشتیم، در صدر اصل ۴۴ از آن نام برده شده بود و اجازه واگذاری آن را نداشتیم که منجر به محدودیت اقدامات سازمان می‌شد». وی دستور مقام معظم رهبری در اوایل دهه ۸۰ به مسئولیت مجمع تشخیص مصلحت نظام به منظور تفسیر اصل ۴۴ را یادآور شد و افزود: «کار تا جایی پیش رفت که بحث اصلاح اصل ۴۴ مطرح شد و به این سمت حرکت کردیم که به جای تغییر اصل، آن را تفسیر کردند که به موجب بند جیم اجازه واگذاری شرکت‌هایی که در صدر اصل ۴۴ بودند، به سازمان خصوصی‌سازی واگذار شد و دیگر بنده‌ها نیز مقدمات و مؤخره کار را فراهم می‌کرد».پوری‌حسینی با اشاره به ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ در سال ۸۵ هزرمسان با آغاز به کار دولت نهم، اظهار کرد: «برخی شرکت‌ها باید انحصارا در اختیار دولت قرار می‌گرفت و امکان واگذاری آن به بخش خصوصی وجود نداشت؛ مثل صاوسیمیا یا حوزه صنعت برق. دولت با تفسیر سیاست‌ها به بیش از ۵۰ شرکت دست یافت که اجازه واگذاری آنها را نداشت؛ شرکت‌های گروه دو نیز ملزم به

اقتصاد



علین:

رونق رشتنی شرق

رئیس سازمان خصوصی‌سازی، منتقدان را به شکایت دعوت کرد

دوئل بانمایندگان مجلس

واگذاری ۸۰ درصد سهام به بخش خصوصی بودند.

وی با اعلام اینکه در حکمی دیگر شرکت‌ها در گروه یک جای گرفتند، ادامه داد: «این شرکت‌ها به صورت صدرصد باید واگذار می‌شدند و دولت حق فعالیت در آنها را نداشت؛ قانون‌گذار سال ۸۹ را برای واگذاری این شرکت‌ها به‌عنوان پایان واگذاری و برای شرکت‌های گروه دو نیز پایان سال ۹۳ را اعلام کرد. سال ۹۲ متوجه شدم بالغ بر نیمی از شرکت‌های گروه یک و دو هنوز واگذار نشده‌اند که نشان از آسیب و مشکل در سازمان داشت».

خصولتی‌ها همچنان پابرجا

پوری‌حسینی درخصوص عرصه واگذاری‌ها، به فعالیت شرکت‌های خصولتی در دریافت سهام شرکت‌های دولتی اشاره و اظهارکرد: «مدیریت این مجموعه‌ها به نوعی به دولت بازمی‌گشت؛ صندوق‌های تأمین اجتماعی نیز گرچه به‌لحاظ حقوقی مستقل از دولت هستند، اما دولت رؤسای آن را انتخاب می‌کند. زمانی که مجددا در سازمان توفیق خدمت پیدا کردم، ۱۷ درصد از واگذاری‌ها متعلق به بخش خصوصی واقعی و مدیریت بخشی از سهام همچنان بر عهده دولت بوده». معاون وزیر اقتصاد و دارایی با اعلام اینکه واگذاری بدهی دولت در قالب سهام خصوصی در راستای خصوصی‌سازی واقعی معنا نمی‌یابد، افزود: «مجلس این نحوه واگذاری‌ها را ممنوع کرد و سازمان خصوصی‌سازی نیز آثار این قبیل واگذاری‌ها را به صفر رسانید».
همچنان به الگوهای صحیح واگذاری بازنگشته‌ایم، چراکه فشارهای سنگینی روی مجریان اصل ۴۴ است… و وقتی دولت بر سر کار است، سازمان امور مالیاتی و بانک‌ها سرراغ بدهی‌ها نمی‌روند». پوری‌حسینی از برخورد محکم و اعمال فشار بانک‌ها، سازمان امور مالیاتی و طلبکاران با صاحبان شرکت‌های واگذارشده به بخش خصوصی انتقاد کرد و ادامه داد: «معمولا اولین شرکت‌کننده در مزایده برنده می‌شود و کاری بسیار سخت پیش‌رو خواهیم داشت؛ چراکه باید پاسخ‌گوی نهادهای نظارتی، افکار عمومی، نمایندگان مجلس و رسانه‌ها باشیم. همگان معتقدند سازمان خصوصی‌سازی باید روزانه گزارش کتبی تهیه کند و

واکنش زنگنه به احتمال افزایش ذخایر تجارت نفت و دکل‌های حفاری آمریکا

رقیب آمریکایی یک تهدید است

اتفاقی برای شرکت‌های آمریکایی می‌افتد؛ البته این موضوع نیز مورد توجه است که ایران یک بازار سرشار از منابع است».

تهدیدبرای اوپک

دروزی که گذشت پز از اخبار و حوادث نفتی بود؛ وزیر نفت ایران با «الکساندر نواک»، وزیر انرژی روسیه، دیدار کرد؛ تصمیم‌هایی برای رابطه نفتی با روسیه، چین، شل، توتال و هند گرفته شد؛ اما نقطه مهم این دیدارها اظهار نظر زنگنه در پاسخ به این سؤال بود که «آیا با وجود کاهش تولید نفت اوپک و غیراوپک، افزایش ذخایر تجاری نفت و دکل‌های حفاری در آمریکا را تهدیدی برای کاهش تولید نفت کشورها می‌داند؟» او گفت: «این موضوع را به‌عنوان تهدید قبول داریم و افزایش قیمت نفت خام هرچند درآمد اوپک را افزایش می‌دهد؛ اما در میان‌مدت به ضرر اوپک است». همچنین وزیر نفت با اشاره به توافق با روسیه برای امضای قرارداد فروش نفت تا ۱۵ اسفند از ادامه مذاکرات و ترسیدن به توافق با هندی‌ها برای توسعه «فرزاد ب» خبر داد و گفت: مذاکرات سواپ نفت کرکوک عراق آغاز شده است. او همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا رقبای چینی قدرت جایگزینی توتال و شل را دارند، گفت: هرکسی جای خودش است؛ اما عزم ما این است که با چینی‌ها به‌عنوان شریک راهبردی در قراردادهایی همکاری داشته باشیم. زنگنه با اعلام اینکه با افزایش تولید نفت در عمل تولید نفت رقبای اوپک افزایش پیدا می‌کند، تصریح کرد: بیشتر کشورهای عضو اوپک روی قیمت نفت بشک‌های ۵۵ تا ۶۰ دلار توافق دارند و افزایش بیش از این سطح در میان‌مدت سقوط

توانمندسازی بخش خصوصی در اصل ۴۴ مورد اشاره قرار گرفته؛ ولی تا امروز این وظیفه به عهده هیچ نهادی واگذار نشده است»؛ وی خاطرنشان کرد: «عده‌ای با شجاعت داشته باشند و دست بخش خصوصی را بگیرند؛ البته بخش خصوصی نیز عاری از عیب و فساد نیست؛ همچنان که صدها میلیارد ضرر و زیان از سوی مدیران دولتی به وجود آمده که ناشی از ضعف و فساد است؛ بنابراین حمله و دفاع محض از بخش خصوصی جایز نیست. بخش خصوصی خوب خریدار جز خصولتی‌ها بوده است، مشکلی در واگذاری نداشته‌ایم».

پشت سر بخش خصوصی متعهدایستاده‌ایم

معاون وزیر اقتصاد و دارایی با اشاره به نبود تذکر، سؤال یا انتقاد در حوزه واگذاری شرکت‌های دولتی به به آن شرکت خصولتی ایجاد نشد!». پوری‌حسینی که اگر به جای خصولتی، یک شرکت بخش خصوصی اقدام به خرید می‌کرد، پنج عضو هیئت عامل سازمان خصوصی‌سازی وقت در بهترین شرایط مادام‌العمر از خدمات دولتی محروم می‌شدند؛ ولی تا امروز هیچ پرونده‌ای در محکمه قضائی علیه ما برای واگذاری به آن شرکت خصولتی ایجاد نشد!». پوری‌حسینی تاکید کرد: «هیئت عامل سازمان خصوصی‌سازی با علم به اینکه این راه بسیار سخت بوده است، مسیر [واگذاری به خصوصی و نه خصولتی‌ها را] انتخاب کرد. ما همواره در مظان تهمت قرار می‌گیریم؛ ولی به دلیل اقدامات قانونی، [تا انتهای کار ایستاده‌ایم]… این گلایه‌ها بی‌تأثیر نبوده؛ گرچه انتظار مدنظر ما محقق نشده؛ ولی رفتار نهادهای نظارتی نسبت به گذشته بسیار تفاوت کرده است و امروز می‌دانند کارها با نهایت دقت انجام می‌شود». وی با اشاره به ارائه گزارش عملکرد سازمان خدمت مقام معظم رهبری، تذکر معظم‌له برای برخورد منطقی و صحیح با این سازمان به محتمل دانست و ادامه داد: «اگر این‌گونه شود، عالی است. ما درد را تحمل و برخلاف جریان سیل حرکت می‌کنیم و تا اینجا موفقیت [در پروژه‌های واگذاری] را احساس کرده‌ایم. مزایده‌های سال جاری نسبت به سال گذشته بسیار پررونق بود و با استقامت پشت سر بخش خصوصی متعهد ایستاده‌ایم». پوری‌حسینی گفت: «بر خود فرض دانستیم تا پایان سال برای ۴۹میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مشمولان سهام عدالت صورت حساب صادر کنیم؛ کار بسیار سنگین است و بخش دیگر تعیین تکلیف شرکت‌های واگذارشده گروه یک و دو است و برخی شرکت‌ها در حوزه برق و گاز به صورت موقتی تا این حد بزرگ شده است».

بخش خصوصی واقعی به رانت و زالوصفت‌بودن

مهم‌می‌شود

پوری‌حسینی با اشاره به اینکه هیچ شرکت خصولتی‌ای مایل به واگذاری جایگاه خود به شرکت‌های بخش خصوصی واقعی نیست، ادامه داد: «بخش خصوصی نیازمند مدافع و یک همراه دلسوز است؛ ولی متأسفانه با نزدیک‌شدن به بخش خصوصی، به رانت و زالوصفت‌بودن متهم می‌شوند؛ بنابراین کسی جرئت نزدیک‌شدن به این بخش را ندارد؛ درحالی‌که

قیمت نفت را به همراه دارد. هم‌زمان با این اظهارنظر محمد بارکیندو، دبیرکل اوپک، هم گفته که انتظار دارد کشورهای بیشتری به توافق کاهش تولید اوپک بپیوندند. بارکیندو تاکید کرد که با وجود تبعیت از توافق، با توجه به اینکه میزان ذخایر نفتی همچنان بالااست، اوپک و شرکایش هنوز به «قیمت متوازن» دست نیافته‌اند. اما زنگنه همچنین با بیان اینکه به قطع در سال ۲۰۱۷ میلادی، اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، وضعیت عرضه و تقاضا در بازار نفت به تعادل می‌رسد، گفت: با آغاز دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، به‌حتم وضعیت نفتی‌ها در این کشور تقویت می‌شود.

اوپک در چه حال است

براساس گزارش ماهانه جدید اوپک، میزان عرضه جهانی نفت در ماه ژانویه بیش از یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته و به ۹۵.۷۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. روز ۳۰ نوامبر سال گذشته کشورهای عضو اوپک توافق کردند که تولید نفت خود را در نیمه نخست سال ۲۰۱۷ میلادی ۱.۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهند و تولید خود را به ۳۲.۵ میلیون بشکه برسانند. تولیدکنندگان غیرعضو اوپک از جمله روسیه نیز توافق کردند که تولید خود را در همین زمان روزانه ۵۵۸ هزار بشکه کاهش دهند. روز سه‌شنبه، کنفرانس بین‌المللی نفت در لژانه آغاز به کار کرد. در این کنفرانس که تا روز پنجشنبه ادامه خواهد داشت، هزارو ۵۰۰ کارشناس از بیش از ۵۰ کشور جهان درباره مسائل جاری صنعت جهانی نفت و گاز به گفت‌وگو و تبادل‌نظر می‌پردازند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۷۸۴۷.۲	۴۶.۹۹
شاخص قیمت	۲۷۲۰۷.۳	۱۶.۵۰
شاخص کل (معوز)	۱۵۸۳۱.۳	۱۱.۶۰
شاخص قیمت (معوز)	۲۷۲۰۸	۹.۲۵
آزاد شناور	۸۵۲۷۲	۳۲.۹۰
۵۰ شرکت بزرگ	۳۰۶۵۰	۲.۷۰

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح قدیم	۱۱۶۹۰۰۰	—
طرح جدید	۱۱۹۳۵۰۰	۴۵۰۰+
نیم	۶۵۳۰۰۰۰	۸۰۰۰+
ربع	۳۶۰۰۰۰	۷۰۰۰+
گرمی	۲۱۹۰۰۰۰	۱۰۰۰+
گرم ۱۸ عیار	۱۱۴۶۴۸	۳۰۰+
اونس (دلار)	۱۲۳۲.۹۵	۳۱.۱۵+

یادداشت

توجه به سود اقتصادی به جای سود حسابداری



فریبرز کریمایی

● متأسفانه در سال‌ها و ماه‌های اخیر بارها شاهد هجمه‌های سنگینی از سوی بعضی از رسانه‌ها، برخی فعالان صنایع تکمیلی و گاهی مسئولان درباره شاخص‌های مالی برخی از شرکت‌های پتروشیمی به لحاظ سودآوری بالا بوده‌ام که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن، ناشی از نبود اشرفا و آگاهی نسبت به مسائل و کارکردهای اقتصادی و فضای کسب‌وکار در صنعت پتروشیمی است. بارها شاهد بوده‌ایم که تکرار چنین ادعاهایی حتی در مراجع تصمیم‌گیری یا در زمان اخذ تصمیمات مهم در حوزه صنعت پتروشیمی کشور باعث شده تا تصمیمات اخذشده تحت تأثیر ادعاهای اغلب غیرکارشناسی مطرح‌شده نه‌تنها از کارآمدی لازم برخوردار نباشد، بلکه در بعضی موارد آثار زیان‌باری را نیز به اقتصاد ملی تحمیل کند. متأسفانه تکرار بی‌اساس این ادعاها بدون اشاره به وضعیت مالی- اقتصادی بخش عمده‌ای از شرکت‌های پتروشیمی که با زیان‌دهی یا حاشیه سود بسیار پایین و غیراقتصادی مواجه‌اند، باعث دامن‌زدن به فاصله بین دولت (به معنای حاکمیت) و بخش خصوصی فعال در صنایع پتروشیمی و نبود اعتماد متقابل بین این دو بخش شده و این نبود اعتماد باعث شده تا مفاهیم و ارزش‌های اقتصادی نیز جای خود را به ضارزش‌ها بدهد. در چنین فضایی از مفاهیم و ارزش‌هایی مانند مزیت اقتصادی به‌عنوان رانت اقتصادی و از صاحبان سرمایه به‌عنوان رانت‌جویان این بخش تعبیر می‌شود. براساس این برای تبیین موضوع از دیدگاه اقتصادی و رفع ابهامات درباره عملکرد حسابداری برخی معدود از شرکت‌های پتروشیمی بر خود وظیفه دیدم تا موضوع سودآوری شرکت‌های پتروشیمی را از منظر اقتصادی و نه حسابداری و حتی‌الامکان در حد بضاعت علمی ناچیز خویش ارزیابی کنم که موارد ذیل حاصل این بررسی‌هاست:

۱- قبل از هر چیز باید این نکته مهم اشاره شود که بررسی شاخص‌های مالی ۱۰ شرکت بزرگ پتروشیمی مصرف‌کننده خوراک مایع (منتشرشده در سایت کدال سازمان بورس) (شرکت‌های پتروشیمی بندر امام، تندگویان، برزویه، اصفهان، تبریز، خوزستان، بوعلی، شازند، بیستون و امیرکبیر)، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴ این شرکت‌ها با وجود دراختیارداشتن ۳۸ درصد شاغلان مجموع شرکت‌های پتروشیمی، ۳۲ درصد مقدار تولید، ۳۵ درصد مقدار فروش داخلی و ۳۵ درصد ارزش صادرات محصولات پتروشیمی کشور در این سال، تنها از حاشیه سود عملیاتی معادل ۷.۱ درصد و از بازده دارایی پنج درصد برخوردارند. ضمن اینکه عملکرد مالی چهار شرکت ۴۰ درصد شرکت‌های بررسی‌شده از ۱۰ شرکت بررسی‌شده در سال ۱۳۹۴ با زیان مواجه بوده است.

۲- با افزایش دامنه شرکت‌های بررسی‌شده به ۱۸ شرکت پتروشیمی (شرکت‌های پتروشیمی مارون، جم، پلی پوپولین جم، لاله، بندر امام، تندگویان، برزویه، اصفهان، تبریز، خوزستان، بوعلی، شازند، بیستون، امیرکبیر، اروند، غریر، آبادان و ایلام) که تأمین‌کننده بیش از ۸۵ درصد نیاز صنایع تکمیلی کشور و دربرگیرنده شرکت‌های مصرف‌کننده خوراک گاز اتان نیز هستند، به نتایج جالب‌تری دست می‌یابیم. بررسی صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ این شرکت‌ها در سایت کدال سازمان بورس نشان می‌دهد که حاشیه سود مجموع این ۱۸ شرکت تنها ۱۶.۳ درصد و بازدهی دارایی حسابداری آنها ۱۱.۷ درصد بوده است، ضمن اینکه عملکرد مالی هفت شرکت (۳۸ درصد شرکت‌های بررسی‌شده) (شرکت‌های پتروشیمی تندگویان، اصفهان، خوزستان، بیستون، اروند، غدیر و آبادان) از ۱۸ شرکت بررسی‌شده در سال ۱۳۹۴ با زیان مواجه بوده است.

۳- ازآنجایی‌که در سال‌های گذشته با کاهش شدید ارزش پول ملی و تورم دورقمی در اقتصاد ملی مواجه بود‌ایم، سود حسابداری شرکت‌های پتروشیمی که بخش اعظم سرمایه‌گذاری اولیه آنها به صورت ارزی بوده است، به‌هیچ‌عنوان مبنای صحیحی برای اندازه‌گیری سود اقتصادی و واقعی این شرکت‌ها نیست. به عبارت دیگر با توجه به اینکه قیمت تمام‌شده ارزش دارایی این شرکت‌ها بر اساس نرخ تسعیر ارز در حداقل بیش از هشت سال گذشته در دفاتر مالی این شرکت‌ها ثبت شده است؛ بنابراین قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی، هزینه استهلاک و نهایتا سود حسابداری این شرکت‌ها نمی‌تواند با واقعیات اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در این شرکت‌ها و با توجه به ارزش جایگزینی آنها منطبق باشد.

۴- در واقع مبنای قراردادن سود حسابداری شرکت‌های مورد اشاره و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با توجه به این شاخص حسابداری، به معنای بی‌توجهی به واقعیات اقتصادی کشور در برنامه‌ریزی‌ها بوده و منجر به ناکارآمدی تصمیمات اتخاذشده خواهد شد.

ادامه در صفحه ۵